

تئوری موسیقی (موسیقی نظری) یعنی چه؟

بطور کلی موسیقی بر دو نوع تقسیم‌بندی می‌شود.

۱- موسیقی تئوری

۲- موسیقی عملی

۱- موسیقی تئوری یا موسیقی نظری به مجموعه قوانینی اطلاق می‌شود که جهت نوشتن و ثبت اصوات و ملودیها و آهنگهای موسیقائی است، دانستن بعضی از مطالب و اصطلاحات مجموعه قوانینی که تشکیل موسیقی نظری را داده‌اند به حکم تجربه برای خواننده آواز ضروری و لازم است و برخی از آن مطالب ضروری نیست. چنانچه در مجموعه‌ایی که در پیش رو دارید، سعی شده است مطالب و اصطلاحات ضروری، به زبانی ساده برای خوانندگان توضیح داده شود.

تئوری موسیقی تشکیل شده از اسامی الفبای موسیقی (نت) و کششهای زمانی نت‌ها و فواصل بین نتها فوائد و فرمولهای نوشتن آهنگها و قطعات موسیقائی بوسیله الفبای آن و تشکیل گامها و نهایتاً شکل‌گیری طبقه‌بندی موسیقی هر ملبیت و کلیه قوانینی که بر اساس تشریح و توضیح آن قوانین، به سهولت می‌توان به موسیقی عملی دست پیدا نمود.

مسئله تئوری موسیقی بیشتر در رابطه با نوازندگان و مسائل اجرایی آنها صدق کرده ولی خوانندگان باید جهت رفع یکسری از مشکلات خویش در امر اجرای آواز، به یادگیری حداقل اطلاعات تئوری (در حد مجموعه حاضر) بپردازند.

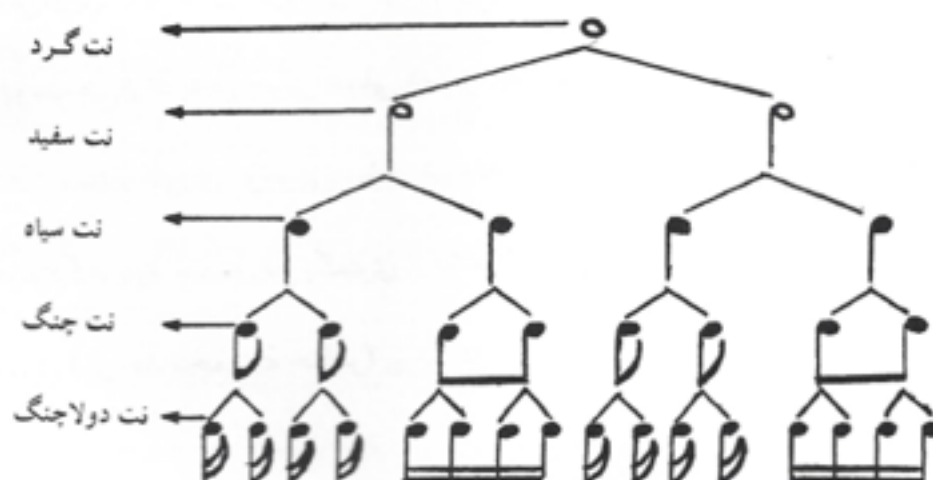
نُت چیست؟ Note

الفبائی که بوسیله آن ملودی‌ها و آهنگها و صداهاى موسیقائی ثبت می‌شود نُت نام دارد. به عبارتی دیگر نُت، یک رشته علاماتی است که به کمک آن خط می‌توان موسیقی را بر روی حامل ثبت کرد و تعداد این الفباء در نُت‌نویسی امروزی هفت تا است.

این هفت نُت اصلی عبارتند از: دو - ر - می - فا - سُل - لا - سی، البته در نوشتن، از چپ به راست نوشته می‌شوند ولی ترتیب همین است. اصل شکل‌گیری نام نتها از ایتالیا می‌باشد و روش نامگذاری نتهایی که فعلاً در ایران مرسوم و معمول است از روش فرانسوی اقتباس و گرفته شده است.

این نتها با اسامی مختلف، دارای فرکانسهای متفاوت و مربوط به خود هستند، که هر کدام می‌توانند کششهای متفاوتی نیز داشته باشند. مثلاً نُت *Do* می‌تواند در زمان یک ثانیه طول بکشد و صدای آن در فضا باقی بماند و یا اینکه دو ثانیه و یا یک دقیقه و...

شکلهای زیرکششهای مختلف از یک نُت را نشان می‌دهد.



گام چیست؟

واژه گام در حقیقت فرانسوی است و برگرفته از (گاما) حرف سوم الفبای یونانی می باشد. در قاعده موسیقی امروز ما، هنگامیکه هشت صدا (نت) از صداهای موسیقائی که همنام نباشند و به ترتیب معینی دنبال همدیگر واقع شوند، طوریکه صدای نت هشتمی، تکرار نت اولی باشد (منتها فرکانس نت هشتم دو برابر فرکانس نت اول است) را گام می گویند.

طبیعی است این هشت صدا به ترتیب از شروع تا خاتمه از لحاظ فرکانسی از حالت بم به زیر می رسند.

پس گام می تواند بالارونده باشد و یا می تواند پایین رونده باشد. به همین دلیل در فرهنگ موسیقی عرب به نردبان یا پلکان موسیقائی نیز معروف است و در فرهنگ موسیقی قدیم ایران، به گام، دور می گفتند.

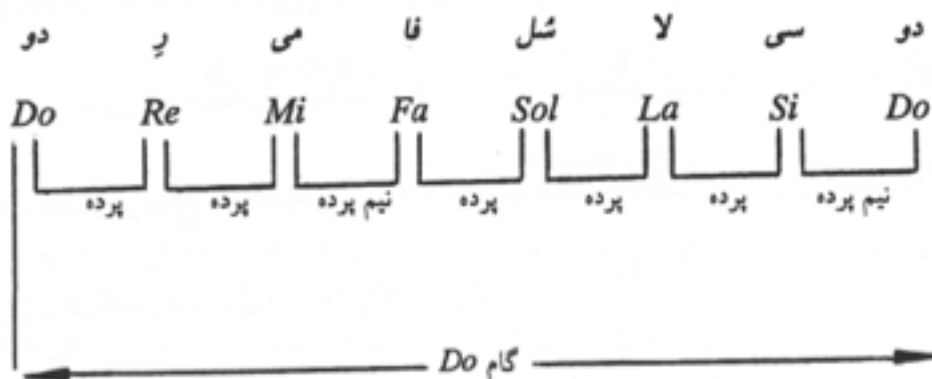
گفتیم که هر گام از هشت صدا یا نت تشکیل یافته است که هشتمین نت تکرار اولی است، با فرکانس دو برابر.

هر گام به اولین صدا و یا نت تشکیل دهنده اش شناسائی می شود. مثلاً اگر از نت «Do» گامی را شروع کرده باشیم و همچنین به نت Do ختم کرده باشیم، این گام را گام دو می خوانیم.

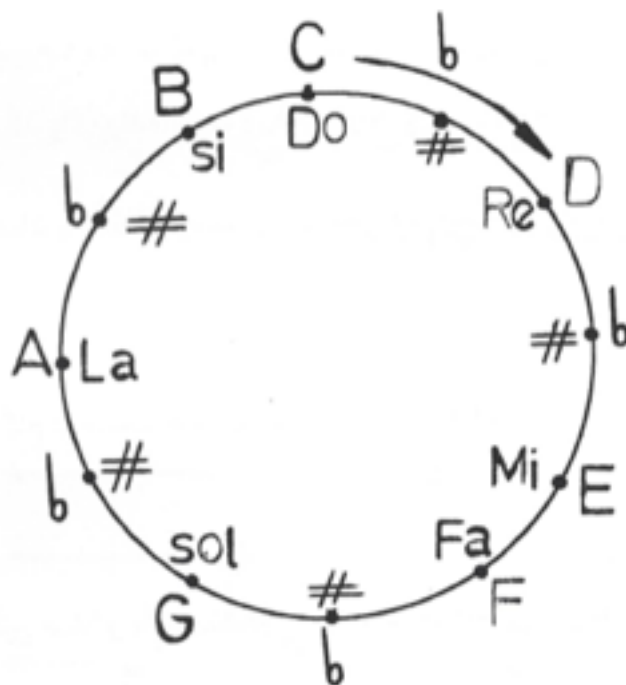
اگر فاصله های بین نتهای تشکیل دهنده یک گام را تغییر دهیم، یعنی این فاصله ها نسبت به همدیگر، نزدیکتر و یا دورتر شوند، حالت های مختلف دستگاهها و آوازهای مشتق بدست می آیند.

برای خوانندگان آواز، قبل از تسلط به آوازخوانی و اجرای دستگاهها و گوشه ها تسلط بر اجرای گامهای مختلف دستگاهها، بسیار ضروری است، چرا که از این طریق قدرت اجرایی وی صد چندان

خواهد شد. شکل زیر روند و ترتیب یک گام را نشان می دهد.



شکل (۱)



شکل (۲)

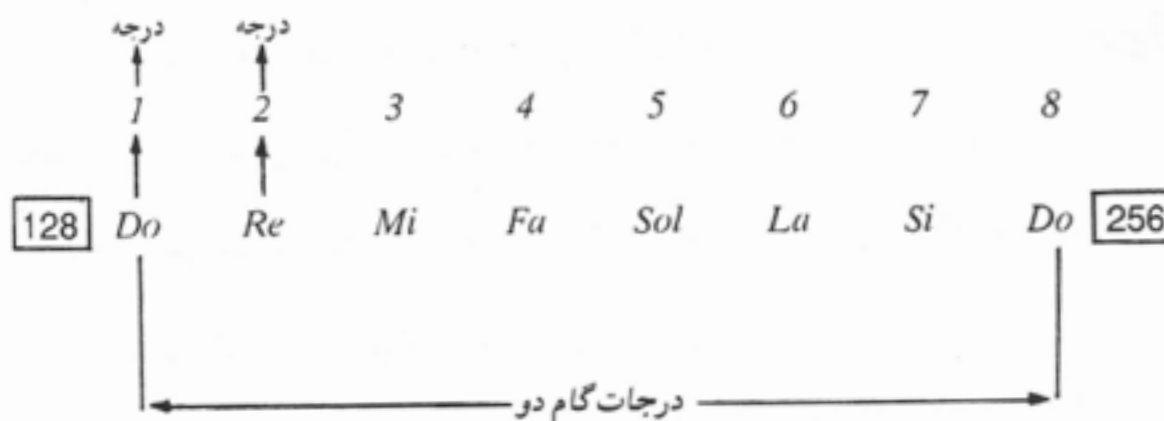
با علامات # و b فواصل بین درجات گام به دو نیم پرده تقسیم می شود.

شکل دوم، قرار نت ها روی دیپازون را نشان می دهد.

درجه یعنی چه؟

اگر از یاد نبرده باشید، در توضیحات واژه گام گفتیم که، یک گام از هشت صدا یا هشت نت تشکیل شده است. هر یک از صداهای تشکیل دهنده گام را (درجه) می‌گویند.

بنابراین یک گام دارای هشت درجه می‌باشد که اولاً نامگذاری گام به وسیله درجه اول آن انجام می‌شود و ثانیاً درجه آخر گام همانام درجه اول می‌باشد با این تفاوت که درجه آخر از نظر فرکانسی دو برابر درجه اول است. به شکل توجه کنید:



بعداً خوانندگان در مجموعه‌های دیگر فرا خواهند گرفت که چگونه روی تک تک درجات گام توقف کنند و یا از طریق این درجات، یکسری حرکتهای تکنیکی را در رابطه با مرکب خوانی^(۱) فراگیرند. این نکته ضروری است که در قوانین بین‌المللی موسیقی، هر یک از درجه‌های گام را به نامهای دیگر می‌خوانند که دانستن تک تک آنها (هر هشت درجه) برای خواننده اهمیت ندارد و فقط بعضی از درجات مثل اول و هشتم، بنا به دلایلی اهمیت بیشتر دارند که بعداً با آن آشنا خواهید شد.

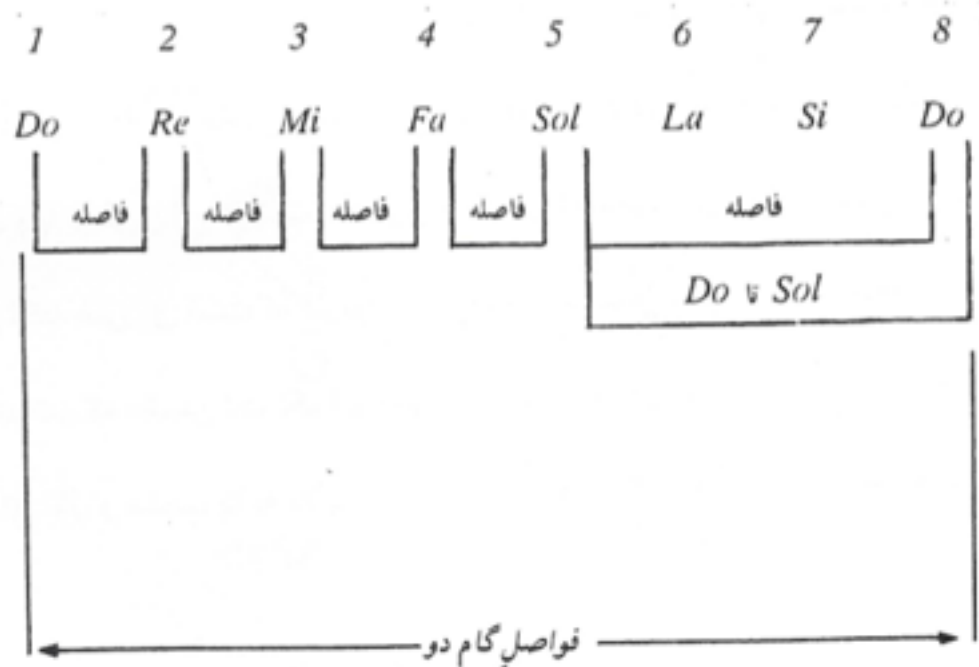
۱ - فن عوض کردن فواصل بین نتهای یک گام در حین آواز خوانی، همان مرکب خوانی است.

فاصله یعنی چه؟

بیاد داریم که در تعریف و توضیح گام، گفتیم: هر گام دارای هشت صدا و هشت درجه است. هر کدام از این صداهای تشکیل دهنده گام از نقطه نظر فرکانس و زیربمی، با هم اختلاف دارند، که این اختلاف دو نت یا دو صدا را نسبت به همدیگر، فاصله آن دو نت می‌گویند.

مثلاً اختلاف فرکانسی که از لحاظ صدا، بین نت *Do* و *Re* وجود دارد، فاصله این دو نت است. پس می‌توان نتیجه گرفت، که دو صدا یا دو نت غیر همنام^(۱) دارای فاصله فرکانسی هستند. در فصول بعد می‌آموزیم که از تلفیق و جابجائی فاصله‌های بین نتها و صداهای موسیقائی است که گامهای مختلف شکل می‌گیرند و ملودیه‌ها و آهنگها بوجود می‌آیند.

برای روشن شدن و بهتر سپرده شدن اصطلاح فاصله در ذهن، به شکل توجه کنید:



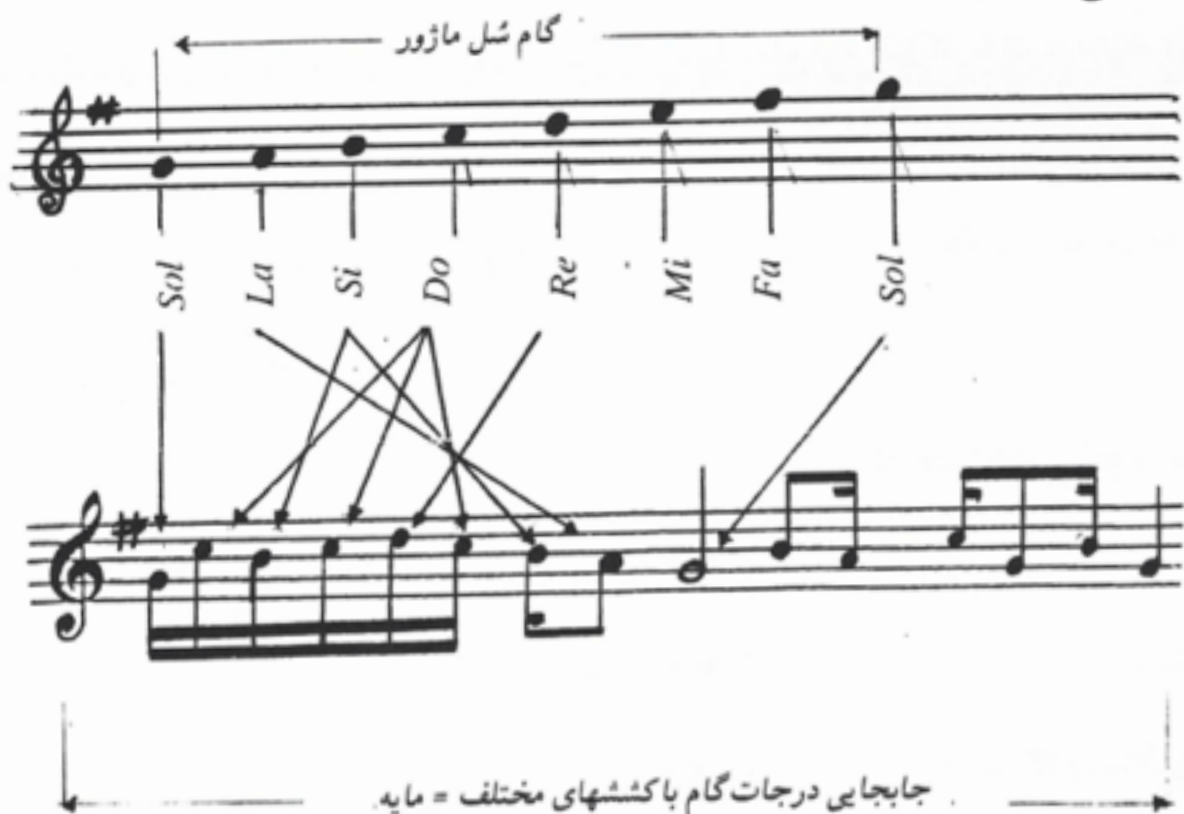
۱ - البته دو نت هم نام نیز می‌توانند اختلاف فرکانس و فاصله داشته باشند بصورتی که اولی شروع یک گام و دومی آخر گام قرار گرفته باشد و در حقیقت فاصله هشتم همدیگر باشند.

مایه چیست؟ Tonalite

مایه را ثنالیته نیز می‌گویند. و بوجود آمدن آن بصورتی است که، هرگاه ترتیب نتهای یک گام بهم بخورد، بطوریکه ضمن جابجائی نتهای گام، همگی تمایل به یک نت اصلی و کانون، که همان نت تونیک است داشته باشند، در این هنگام مایه بوجود آمده است.

پس اگر مثلاً نتهای گام (Do) را بترتیب از درجهٔ اول تا هشتم بخوانیم یا بنوازیم، این گام را، گام Do می‌گوییم. ولی اگر همان نتهار را بر اساس فاصله‌هایی که میان هر کدام قرار گرفته و تشکیل دستگاهها و مشتقات آن را داده است، جابجا کنیم و در حین جابجائی به آنها کششهای متفاوت بدهیم، دیگر گام نداریم و مایه بدست آمده است مثلاً مایه‌ایی از گام ماهور - مایه‌ایی از گام شور و... پس در نهایت می‌توان مایه را این گونه تعریف نمود که:

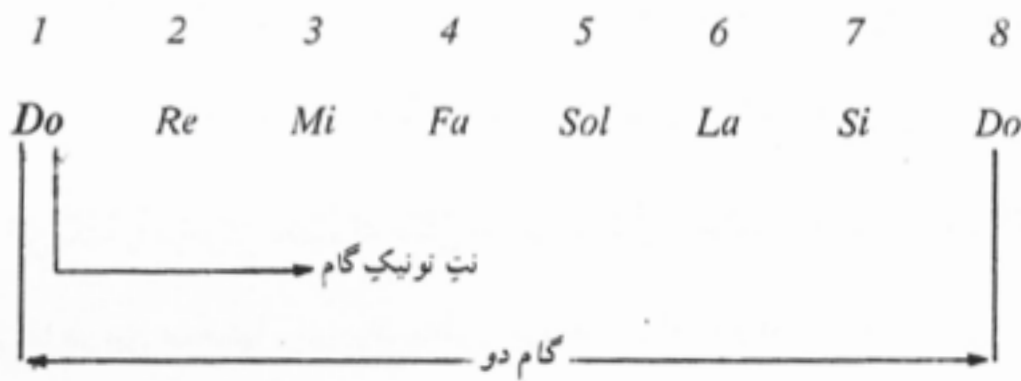
(جابجائی درجات یک گام با کششهای مختلف بر اساس مبنای گام یعنی نت تونیک) جهت بهتر تفهیم شدن موضوع به شکل توجه کنید:



نت تونیک چه نتی است؟ Note Tonic

نت به معنی صدا و به عبارت کلی تر، درجه ریز و بمی یک صدا است و اگر از یاد نبرده باشید در توضیحات واژه گام گفتیم که هر گام دارای هشت صدا یا هشت نت یا هشت درجه می باشد. همچنین در توضیحات واژه درجه گفته شد که: هشت درجه گام را در سیستم موسیقی جهانی به نامهای دیگری نیز می شناسند.

یکی از آن درجه های با اهمیت گام، اولین درجه یا اولین صدای شروع گام است که اگر یادتان باشد، گفتیم نامگذاری گام نیز با این صدا انجام می شود. نام دیگر این درجه یا نت، نت تونیک است، یعنی نتی که صداداری اصلی گام و پایه گام بر مبنای آن آغاز می شود و شکل گیری ملودی های گام نهایتاً و الزاماً بر مبنای این نت خواهد بود. به شکل ترسیمی توجه کنید:



نت شاهد چه نتی است؟

اگر از یاد نبرده باشید، در توضیحاتی که برای «درجه» گفته شد، اهمیت هر یک از درجات گام تذکر داده شد و گفته شد که درجات یک گام را که از یک تا هشت است، بر اساس موقعیتشان به نامهای دیگری نیز می خوانند و البته این نامها بر اساس شکل گیری ملودی دستگاه مربوطه (شور - همایون و...) می باشد. یکی از نتهایی که بسیار با اهمیت است و تقریباً در همه گامها (برای درآمد دستگاهها و

آوازاها) روی درجهٔ اول گام واقع می‌شود، به نام نت شاهد خوانده می‌شود.

شاهد، به معنای شهادت‌دهنده و گواه است. در اینجا منظور نتی است که مایه و تنالیده و شروع صداداری یک درآمد و یا یک گوشه را نشان می‌دهد و به عبارتی دیگر اگر ملودی (گوشه یا درآمد یکی از دستگاهها) را به وسیلهٔ آواز یا ساز اجرا کنیم، و با دقت توجه کنیم، می‌بینیم که ملودی مرتباً حول یک کانون اصلی به گردش در می‌آید و هر چه از آن کانون و مرکزیت فاصله بگیرد، در نهایت کششی خاص به طرف آن نقطه و (نت کانون) خواهد داشت، نتی را که همواره ملودی به طرف آن جذب می‌شود را نت شاهد آن ملودی می‌گوییم.

به عبارت دیگر، اگر به مدد نت‌نویسی، ملودی یک قطعه را نوشته و پس از آن نوعیت نتهای شمارش شده را از لحاظ نوع فرکانس (اسم نت) با همدیگر مقایسه کنیم، هر کدام از نتها که از نظر تعداد، بیشتر تکرار شده بود، آن نت را نت شاهد آن ملودی گویند. به شکل توجه کنید:

نت ایست چه نتی است؟

از سری نتهای مهم گام است که در هنگام اجرای ملودی درآمد دستگاهها و گوشه‌ها، بر اساس قرار گرفتن نت شاهد روی گام، محل آن روی گام تعیین می‌شود.

به عبارت دیگر نت ایست، نتی است که ملودی درآمد یک دستگاه یا یک گوشه بصورت نیمه تمام و موقت روی آن می‌ایستد، ولی از حالت ملودی و گوشه پیداست که ناقص است و برای تکمیل ملودی احتیاج است که به نت شاهد مراجعه شود. ملودی برگرفته از درآمد یک گوشه ممکن است از یک یا چند نت ایست برخوردار باشد. بطور معمول نتهای ایست در یک ملودی بر اساس شکلی از ملودی که بطور بداهه آفریده می‌شود، بدست می‌آید.

نت متغیر چه نتی است؟

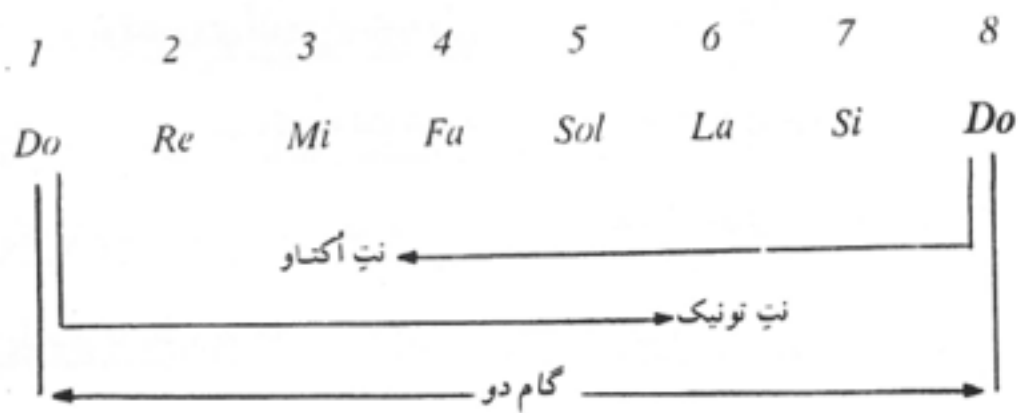
این نت چنانچه از نامش پیداست، نتی است که در طول روند یک گام و ملودی یک گوشه بصورت لحظه‌ایی تغییر می‌کند و این تغییر توسط علامتهای تغییردهنده‌ایی که بعداً توضیحش خواهد آمد، انجام می‌شود.

این تغییر به منظور بیان غم و شادی و حالتهای احساسی در ملودی گوشه و درآمد یک آواز صورت می‌گیرد. معمولاً تغییر این نت به اندازه ربع پرده کم، یا زیاد شدن است. بهترین نمونه وجود نت متغیر در آوازهای دشتی و افشاری است.

نت اکتاو چه نتی است؟ Note Octave

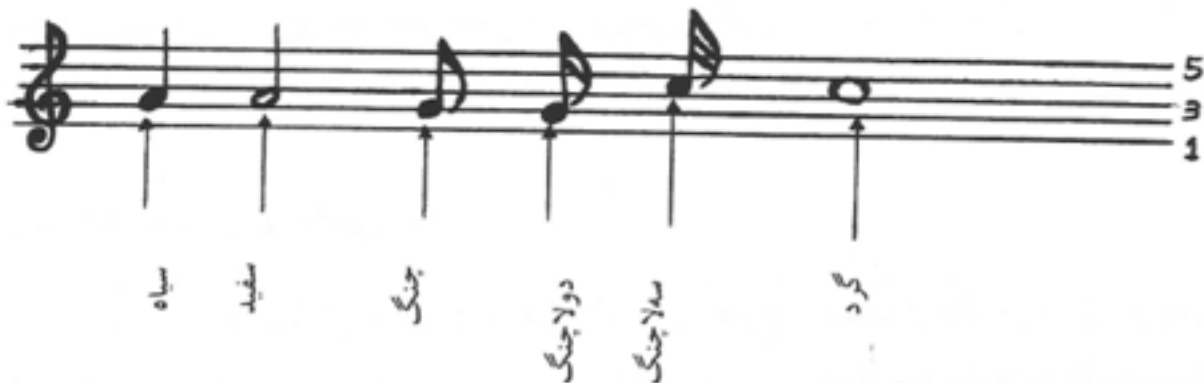
یک گام که دارای هشت درجه است و درجه اول آن را به نام نت تونیک شناسائی کردیم، نت هشتمین آن گام را نیز نت اکتاو می‌گویند. ریشه اصلی این واژه از کلمه (اُکت) به معنای «هشتم» گرفته شده است و چون در فاصله هشتم گام قرار گرفته به آن نت اکتاو می‌گویند. بنابراین با توجه به توضیحاتی که درباره گام گفته شد، نت تونیک یعنی درجه اول یک گام و نت اکتاو یعنی درجه هشتم گام.

در حقیقت نت اول و هشتم یک صدا هستند، منتها فرق اساسی آنها این است که نسبت فرکانس آنها به همدیگر دو به یک است. به شکل زیر که نمایش نت اکتاو روی گام را نشان می‌دهد توجه کنید:



خط حامل چیست؟

خط حامل یا حامل، خطی است که نت‌ها را بر روی خود حمل می‌کند و به زبان ساده‌تر، برای نمایش دادن مرتب و منظم نت‌های موسیقی چه از لحاظ کشش و چه از لحاظ شکل ظاهری، از پنج خط که به موازات همدیگر کشیده می‌شوند و فواصل آنها نسبت به همدیگر ۲ الی ۳ میلیمتر است، استفاده می‌شود. معمولاً این خط‌ها از پایین به بالا شمارش می‌شوند. نت‌های موسیقی بر روی خط‌ها و یا مابین آنها یا زیر خط اول یا بالای خط پنجم، نوشته می‌شوند و طبق قاعده خاصی اسم‌های مختلفی به خود می‌گیرند. شکل زیر خطوط حامل و قرار بعضی از نت‌ها روی حامل را نشان می‌دهد:



بر اساس قاعده‌های استاندارد و قراردادهای از پیش تعیین شده، تعداد ۵ عدد از نت‌ها روی خط‌ها واقع می‌شوند و تعداد ۴ عدد از نت‌ها بین ۵ خط حامل واقع می‌شوند و تعداد ۲ عدد از نت‌ها در پایین و بالا چسبیده به خط اول و پنجم واقع می‌شوند که مجموعاً حامل پنج خطی حمل‌کننده ۱۱ نت می‌باشد. به شکل و نمایش نت‌های ۱۱ گانه روی آن دقت کنید:



نت‌هایی که روی خطوط حامل واقع می‌شوند بر اساس یک کلید، که سر پنج خط رسم می‌شود و

معمولاً کلید سُـل نام دارد، اسامی خود را می‌گیرند، بدین معنی که اگر کلید مذکور با شکل () سرپنج خط قرار گرفت، بطوریکه شروع آن از روی خط دَوَم حامل بود، بنابراین خط دَوَم حامل، جایگاه نت سُـل می‌شود و ترتیب نتها بر اساس خط دَوَم صورت می‌گیرد، یعنی بین خط دَوَم و سوم نت (لا) و خط سَوَم (سی) و بین خط سَوَم و چهارم نت (Do) و به همین ترتیب نتها روی خطوط حامل شناسائی می‌شوند.

دانستن این نکته برای خوانندگان ضروری است که همه سازها به غیر از تنبک از حاملهای پنج خطی استفاده می‌کنند ولی در تنبک به دلایل مختلف از قبیل (نبودن ملودی و وجود ریتم) نت‌نویسی و نمایش ریتمهای آن روی سه خط حامل و در روشی دیگر روی یک خط حامل نمایش داده می‌شود.

زیر خواندن (بم) یعنی چه؟

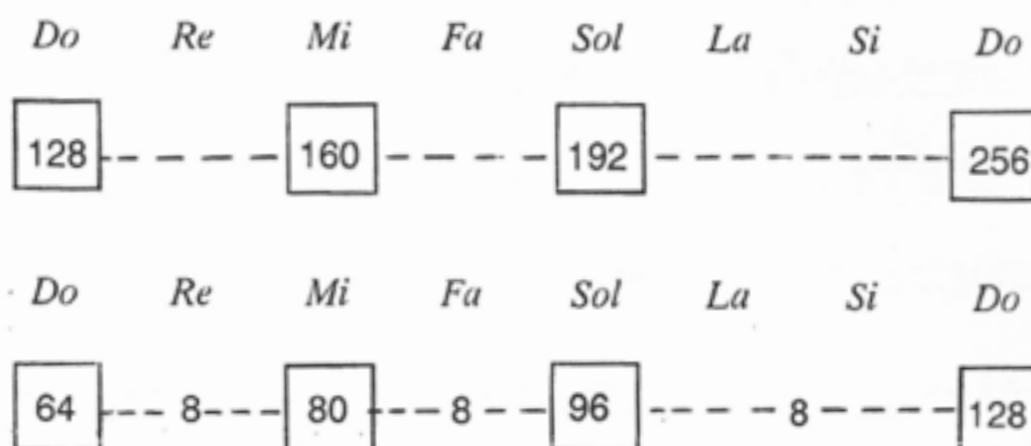
صداهاى موسیقائى و ملودى‌ها مى‌توانند در سطوح مختلف از نظر درجه زیر و بمى حاصل شوند. در عرف آواز، اگر صدای نـتـى را به نصف برسانیم، اصطلاحاً می‌گوییم، زیر آن را خوانده‌ایم. طبیعی است که مسئله زیر خواندن می‌تواند برای ملودهای مختلف نیز صدق کند یعنی فرکانس نت شروع یک ملودی را به نصف تقلیل داده و در نتیجه، کل آن ملودی از نقطه نظر تنالیت و صدا داری به نصف کاهش می‌یابد. دانستن این مسئله در عرف آوازخوانی بسیار با اهمیت و ضروری است، چراکه در زمانها و مکانهای مختلف، خواننده ملزم می‌شود فرکانس ملودی‌ها را به دلایل مختلف به نصف کاهش داده و سپس بخواند. خواننده آواز به دلایل زیر می‌تواند فرکانس صدا را به نصف کاهش دهد:

۱- آماده نبودن وضعیت حنجره و تارهای صوتی

۲- مناسب نبودن مایه شروع با توجه به گستره صدا

۳- مناسب نبودن فضایی که باید در آن آواز خواند

به شکل زیر توجه کنید تا موضوع مطرح شده فوق بهتر روشن شود.



اگر خواننده گوش قوی و تعلیم دیده پیدا کرده باشد، با شنیدن یک نت می تواند بلافاصله آن را به فاصله هشتم (رو) یا زیر آن تبدیل کند و همچنین یک ملودی را بلافاصله به رو یا زیر منتقل سازد و در غیر این صورت، باید بصورت پلکانی، آنقدر از همه نتها به ترتیب گذر کند تا به نت مورد نظر (نت هشتم یا زیر ملودی اول) برسد. نکته دیگر اینکه خواننده نباید مسئله رو و زیر را با عرف غیر موسیقائی آن اشتباه کند، چراکه در عرف غیر آوازی (زیر خواندن) و یا صدای زیر داشتن به معنای صدای با وسعت بالا و اوج خوانی است.

نکته قابل اهمیت دیگر آنکه، خواننده نباید همیشه ملودی ها را تبدیل به زیر خوانی و بم خوانی کند، چون پس از مدتی، از قدرت (رو خوانی) یا (اوج خوانی) وی کاسته خواهد شد. عکس این موضوع نیز صادق است.

نکات گفته شده دقیقاً در مورد واژه (رو) یعنی فرکانس نت را دو برابر کردن صادق است.

نتیجه اینکه اگر فرکانس نت را دو برابر کنیم در حقیقت روی یک نت را خوانده ایم و اگر فرکانس نت را نصف کنیم در حقیقت زیر آن را خوانده ایم.

۱- صوت تنور (گستره صدای تنور)^(۱) *Tenor*

تنور به معنای حمل کننده می باشد و از نقطه نظر زیر و بمی به نوعیت صدایی گفته می شود که بر اساس نت *Do*، ۱۵ نت را بخواند، و یا به عبارت دیگر سه مایه از نت *Do* را (زیر $\rightarrow Do \leftarrow$ رو) بخواند، اما این گستره، معمول خوانندگان اروپائی است و عرف معمول در ایران به دلایلی مختلف کمتر است، بصورتی که خوانندگان مرد در ایران از طرف (اوج) تعداد ۲ الی ۳ نت کمتر می خوانند و در عوض از طرف بم، صدایشان گستره بیشتر دارد، یعنی بر اساس نت (*La*) ۱۵ نت را می خوانند.
(زیر $\rightarrow La \leftarrow$ رو)

کسی که جزو این محدوده از گستره قرار گیرد معمولاً صدای اوج و قوی دارد و تقریباً می توان گفت، محدوده صدای وی نزدیک به محدوده مورد نظر از لحاظ شش دانگ خوانی^(۲) است.

۲- صوت باریتون گستره صدای باریتون *Bariton*

صوت باریتون نیز صدای متوسط مردان است و از لحاظ زیر و بم نسبت به حد تنور بم تر است، یعنی از طرف اوج چند نت بم تر و از طرف بم چند نت بیشتر از صوت تنور را دارد. یعنی تعداد ۱۵ نت را بر اساس نت (*La*) می خواند (زیر $\rightarrow La \leftarrow$ رو)

۳- صوت باس گستره صدای باس *BASS*

بم ترین صدای در موسیقی را باس می گویند و در اینجا منظور بم ترین گستره از صدای مردان آوازخوان می باشد که معمولاً از نت *Fa* بین خط اول و دوم حاملها را بیشتر نمی تواند بخواند، یعنی تعداد ۱۵ نت را بر اساس نت *Fa* می خواند. (زیر $\rightarrow Fa \leftarrow$ رو)

تنور - باریتون - باس - سه وسعت مختلف از صدای مردان بود. اما زنها و بچه‌ها نیز صدایشان از لحاظ گستره حدود خاص خود را داراست که به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱- سوپرانو ۲- متزوسوپرانو ۳- کنترآلتو

به علت اینکه در ایران و موسیقی سنتی و آواز ایرانی به ندرت به محدوده این نوع صداها بر می‌خوریم، اشاره به اندازه آنها فعلاً ضروری نیست.

جای صدا چیست؟

بر اساس توضیحات آمده در قسمت (گستره صداها) و همچنین قسمت (کم یا زیاد بودن مایه) می‌توانیم چنین بگوییم که اگر شروع گامی با گستره صدای خواننده‌ای متناسب باشد، بصورتی که اگر ملودی گوشه‌ها را از هر یک از درجات گام پایه‌بندی کند، آواز مطلوب و گوشنواز بدست آید، اصطلاحاً می‌گوییم جای صدای خواننده (همان نت اولیه گام) می‌باشد.

طبیعی است با توجه به گستره صداها و شکل‌گیری گامهای دستگاهها، جای صدای هر خواننده جهت اجرای هر کدام از گامهای دستگاهها متفاوت خواهد بود.

چپ یعنی چه؟

منظور از اصطلاح چپ در عرف موسیقی، کوکهای بخصوص است که روی سازهای سنتی انجام می‌شود که آن کوکها متناسب با صدای زنها و بچه‌ها است به عبارتی دیگر هنگامیکه می‌گوییم فلان مایه و یا فلان درآمد چپ کوک است یعنی متناسب با توان و گستره صدای خانمها و بچه‌هاست.

چنانچه در مورد گستره صدای خانمها در بخش گستره صداها توضیح آمد. به تعبیری دیگر مایه‌ایی را چپ می‌نامیم که اگر:

شروع درآمد آواز، از آن نت پایه‌گذاری شود، خواننده مرد با گستره معمول صدای مردها، نتواند

از عهده اجرای تمامی نتهای آن گام برآید. بدیهی است آن دسته از مردانی که از عهده اجرای مایه‌های چپ کوک نیز برآیند، دارای صدای چپ معادل زن‌ها می‌باشند.^(۱)

راست یعنی چه؟

در اصل به معنای صحیح و درست و نقطه مقابل چپ است و در عرف موسیقائی ضمن اینکه تشکیل قسمت مهم و زیربنائی یکی از دستگاههای موسیقی سنتی (راست پنجگاه) را می‌دهد، در اکثر موارد منظور کوک و مایه خاصی در سازها است که مخصوص توان و گستره صدای آقایان است. به عبارتی دیگر، مایه‌ایی را راست می‌گوییم که اگر شروع درآمد دستگاهی از آن نت پایه‌گذاری شود خواننده مرد (با توجه به محدوده در نظر گرفته شده برای آقایان) بتواند اجرای آواز را از اولین درجه گام تا پایان درجات گام بخوبی انجام دهد. بعداً با مایه‌های راست (با نوعیت نت) آشنا خواهید شد.

فراز چیست؟

بطور معمول این لغت در مقابل واژه نشیب می‌آید (فراز و نشیب) که به معنای (بلندی و پستی) و در عرف موسیقی به معنای اوج و بالاترین قسمت یک ملودی می‌باشد. بنابراین ملودی درآمدهای اصلی دستگاهها و گوشه‌ها از لحاظ قرار گرفتن روی گام مربوطه و از نقطه نظر فراز و نشیب مختلف می‌باشند.

مثلاً ساختار ملودی بعضی از گوشه‌ها یا درآمدهای اصلی چنان است که یک دانگ (چهارنتی) را به خود اختصاص می‌دهد و ملودی آن حول کانون اصلی (نت شاهد) در گردش می‌باشد و در بعضی

دیگر حدود بلندی (اوج بودن) و پستی (بم بودن) ملودی در حد یک گام است. اجرای فراز صحیح یک ملودی تسلط خاص خواننده را می‌طلبد، خصوصاً برای اجرای ملودی گوشه‌هایی که در دایره دوم گام‌ها قرار گرفته‌اند.

فرود چیست؟

فرود به معنای انتقال از سطح بالا به سطح پایین و در عرف موسیقی، هنگامیکه از سطوح و درجات بالای گام به مبدأ و شروع گام آواز را بازگشت نماییم و به عبارتی دیگر، مراجعت به درآمد اصلی دستگاه را اصطلاحاً فرود می‌گویند. و بطور قاعده، فرود پایان یک آواز را اعلام می‌دارد.

البته ساختار ملودیک فرودها مختلف و متفاوت است، و فرود بر اساس توانایی‌های موجود در خواننده و شکل گرفتن ملودی‌های آواز در انواع مختلف شکل می‌گیرد.

هر دستگاه و آواز و نهایتاً هر گوشه فرود مخصوص به خود دارد. هر گوشه برای خود فرودی دارد و آن بازگشت و مراجعت ملودی آن گوشه به نت شاهد آن گوشه است.

با انجام فرود بوسیله خواننده، شنونده که لحظاتی از اوج خوانی خواننده استفاده کرده، آمادگی ذهنی پیدا می‌کند، که خاتمه آواز را حس نماید. در بعضی موارد فرودها می‌توانند بصورتی شکل گیرند که پایان کار خواننده را نشان ندهند و از نوعیت شکل ملودی و فرم خاص آن، شنونده در می‌یابد که خواننده به خواندن آواز برای لحظاتی دیگر ادامه خواهد داد.

به عبارتی دیگر بعضی از فرودها روی نت ایست ملودی است. انجام فرود صحیح در خاتمه یک آواز بسیار حائز اهمیت بوده و تسلط خواننده را بر پایان دادن زیبای آواز نشان می‌دهد.

فرود گوشه‌ها می‌تواند هم روی شاهد گوشه باشد و هم می‌تواند در درآمد اصلی دستگاه یا آواز باشد. اگر روی شاهد گوشه باشد فرود موقت و اگر روی شاهد درآمد اصلی باشد، فرود نهانی نام دارد. در قدیم اصطلاح فرود را فروز نیز می‌گفتند که امروزه دیگر مصطلح نیست.

سر به چه معناست؟

واژه سر به معنای نقطه شروع و ابتدای یک موضوع، و پیشوند محسوب می‌شود برای ساختار کلماتی همچون سرآغاز - سراسر - سرلوحه - سرافراز اما استعمال واژه سر در عرف موسیقی سنتی معنای دیگری دارد. سر از اصطلاحاتی است که در فرهنگ موسیقی محلی بوشهر و دزفول بکار گرفته می‌شود. در موسیقی محلی هنگامیکه واژه سر را با نام یکی از دستگاهها و یا گوشه‌ها بصورت مرکب می‌آورند، مانند سر ماهور - سر دشتی - سر سه‌گاه و... منظور در پرده‌های معمول و مرسوم و جایگاهی از پرده‌های ساز که بطور معمول، یک گام از آن نت و از آن پرده آغاز می‌شود.

مثلاً اگر بگوییم سر ماهور، چهارگاه شروع کنیم، یعنی از نقطه و نتی که مبنای گام ماهور مرسوم و معمول است، چهارگاه را نیز بنیاد بگذاریم.

این اصطلاح در بین خوانندگان و نوازندگان موسیقی ایرانی بسیار معمول است و اصل آن از فرهنگ موسیقی محلی و بومی (فولکلوریک) به سایر اصطلاحات پیوند خورده و در زنجیره ردیف وارد شده است. پس مثلاً اگر به خواننده‌ایی گفته شود، سرشور، نوا شروع کن، منظور آن است که از نت مرسوم شروع گام شور، گام نوا را پایه بگذار.

دانگ چیست؟ Tetracord

شش دانگ خوانی کدام است؟

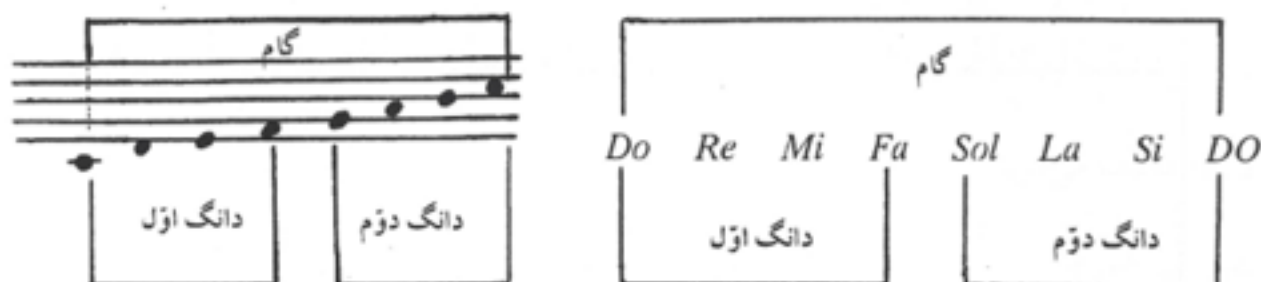
لغت دانگ به معنای $\frac{1}{4}$ از کل چیزی است و در فرهنگ یونان، معادل لغت دانگ واژه‌ایی است با نام تتراکورد.

تترا به معنای چهار و کورد به معنای سیم و روی هم رفته به معنای سازی که چهار رشته را دربر می‌گیرد. بر همین اساس و ریشه، در فرهنگ موسیقی ایران، گام‌های موجود را که متشکل از هشت نت

بود، به دو دسته ۴ نت تقسیم نموده و هر دسته را یک دانگ اطلاق نموده‌اند.

یعنی گامی که در توضیحات قبل از آن گفتگو شد در حقیقت دارای دو دانگ پی در پی می‌باشد.

به شکل توجه کنید:



در فرهنگ و عرف رایج موسیقی ایران، خصوصاً آواز، مسئله دانگ و چند دانگ خواندن از طرف

آوازخوانها همیشه مورد بحث و تبادل نظر بوده است و خوانندگان به سه دسته دو دانگ خوان - چهار

دانگ خوان و شش دانگ خوان تقسیم می‌شده‌اند و اکنون نیز بر همین قیاس تقسیم می‌شوند.

در مورد خوانندگانی که صدایشان وسعت شش دانگ را داشته و دارد، این توضیح ضروری است

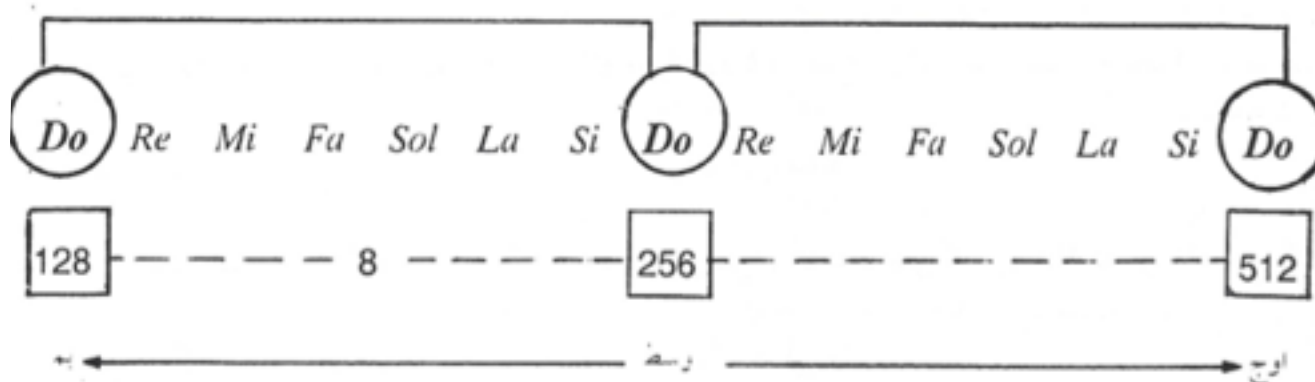
که، اگر خواننده‌ایی بتواند ۶ دانگ چهارنتی (که در حقیقت دوگام می‌شود) را بصورت پی در پی از

قسمت بم به طرف اوج بخواند، بصورتی که هم شعرخوانی و هم قدرت تحریر، در آن بصورت مطلوب

آشکار باشد، این خواننده شش دانگ خوانده است. به عبارتی دیگر اگر خواننده‌ایی سه نوع فرکانس از

نت *Do* را بتواند با صدا نمایش دهد، شش دانگ خوانده است.

به شکل توجه کنید:



حال اگر دو گام مورد نظر را از نت *Do* بصورت نیم پرده‌ایی از یکدیگر تفکیک کنیم شکل زیر

حاصل می‌شود:



به ترتیب شکل، خواننده یکبار در قسمت بم و یکبار در قسمت زیر، آواز را در محدوده این ۲۴ نیم پرده یا ۱۲ پرده شکل دهد، ۶ دانگ خوانی را انجام داده است.

این نکته را نباید از نظر دور داشت که اولاً، شش دانگ خواندن خواننده برای وی مزیتی خاص

محسوب نشده و اساس و عمده آن است که خواننده با هر ظرفیت از صدا، صحیح بخواند و در ضمن

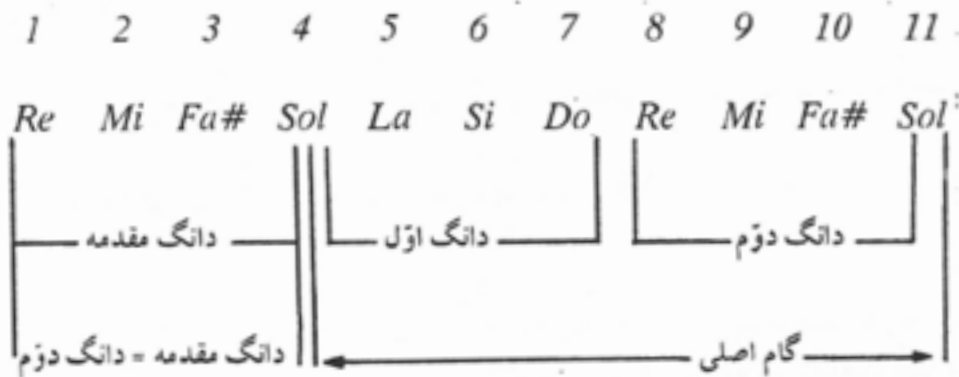
فقط دو گام از نت *Do* شش دانگ خوانی را به ثبوت می‌رساند.

همچنین اگر دو گام از نت دیگر را بخواند، و بیش از آن صدایش گستره نداشته می‌باشد، می‌گوییم

شش دانگ صدای خودش را خوانده و نه شش دانگ اصلی را.

دانگ مقدمه (دانگ الحاقی اول گام) یعنی چه؟

در اجرای بعضی از دستگاهها، برای ادا شدن بهتر برخی از حالات ملودی نوازندها و یا خواننده ملزم می شوند، علاوه بر اجرای گامی که تشکیل آن دستگاه را می دهد، یک دانگ (چهار نته) منطبق با فواصل دانگ دوم گام به اول گام اضافه نمایند، تا بدینوسیله بتوانند به منظور خود برسند و به این دانگ، دانگ مقدمه می گویند. کاربرد و اجرای دانگ مقدمه، بیشتر در دستگاههای شور و همایون و ماهور و خصوصاً اجرای درآمد این دستگاهها، بکار گرفته می شود. به شکل ترسیمی توجه کنید:

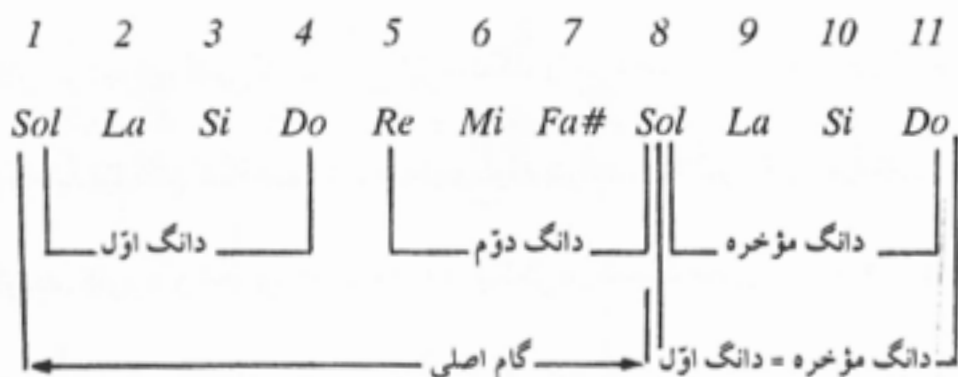


دانگ مؤخره (دانگ الحاقی آخر گام) یعنی چه؟

توضیحات گفته شده برای دانگ مقدمه، دقیقاً جهت دانگ مؤخره یا دانگ آخر گام نیز صادق است، با این تفاوت که اجرای یکسری حالات و شکل گیری یکسری از ملودیهها در دستگاههای نامبرده گذشته (شور - ماهور - همایون) نوازنده یا خواننده را ملزم می کند تا بغیر از اجرای گام مورد نظر، در پایان گام یک دانگ چهار نته که فواصلش منطبق با فواصل دانگ اول گام است، را به اجرا درآورد.

موارد استعمال دانگ مؤخره، انجام و اجرای یکسری از گوشه های تشکیل دهنده دستگاههاست که پس از نت هشتمین گام قرار دارند و ناچاراً برای اجرای آنها، نوازنده و خواننده، ملزم و مجبور به ادامه

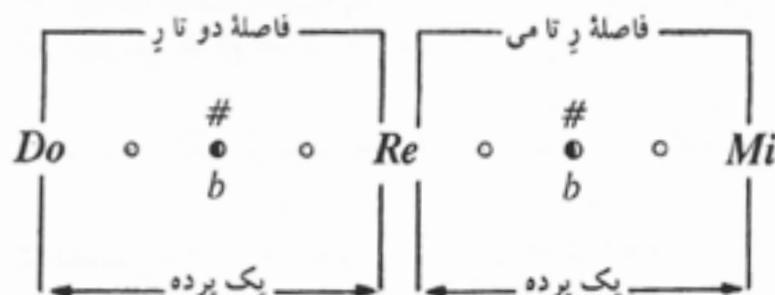
نیم گام (دانگ مؤخره) می‌باشند. به مثال و شکل ترسیمی توجه کنید:



پرده یعنی چه؟

لغت پرده در فرهنگ موسیقی ایران با معانی مختلفی آمده و تعبیر شده است. در عرف معمول موسیقی سازی و آوازی، به یک نت از موسیقی، پرده نیز اطلاق شده است و چون روی بعضی از سازها (تار - سه تار - دوتار و...) جهت نشان دادن جایگاه آن نت، رشته‌هایی که بیشتر از جنس زه (معمولاً روده گوسفند) است، روی دسته ساز می‌بندند و جایگاه هر نت را بوسیله هر کدام از آنها مشخص می‌کنند، به آنها پرده می‌گویند. بنابراین وقتی می‌گوییم پرده *Do* یا پرده *FA*، یعنی پرده و زه بسته شده روی دسته ساز که نشانگر فرکانس نت مذکور است.

بنابر تعریفی که گفته شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت، که فاصله بین دو نت موسیقی نیز بوسیله پرده مشخص می‌شود. مثلاً فاصله نت *Do* تا *Re* را یک پرده می‌گویند. برای روشن شدن مطلب به شکل توجه کنید:



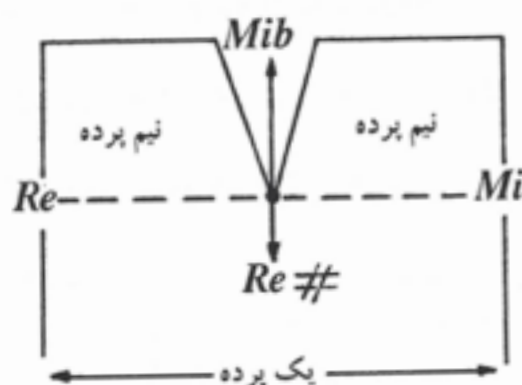
نیم پرده چیست؟

بدون هیچگونه توضیح اضافی، در صورتیکه فاصله‌ای را که تشکیل (پرده) را می‌داد، نصف کنیم

به آن نیم پرده می‌گوییم.^(۱) پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که هر پرده تشکیل شده است از دو نیم پرده

$$\text{نیم پرده} + \text{نیم پرده} = \text{پرده}$$

به شکل ترسیمی توجه کنید:



همیشه در نظر داشته باشید، فاصله بین دو نت (سی و دو) و (می و فا) بصورت طبیعی نصف

فاصله موجود بین انتهای دیگر است. به عبارتی دیگر اگر فاصله بین سایر انتها پرده باشد، فاصله بین

انتهای ذکر شده نیم پرده است. یعنی نت LA تا Sol دو برابر نت mi تا FA است.

→
(فا تا می) = ۲ (لا تا سل)

و یا

→
(دو تا سی) = ۲ (سی تا لا)

۱ - البته از نظر محاسبات دقیق فیزیکی اگر یک پرده را دو نیم کنیم، آنطور که در تقسیمات فعلی موسیقی ایرانی مرسوم است، دو نیم پرده دقیقاً باهم برابر نیست.

نیم پرده و دو علامت دیز (#) و بمل (b) چیست؟

همانطور که قبلاً گفته شد، فاصله موجود بین دو نت اصلی موسیقی را پرده نیز می‌گویند و اگر این

فاصله نصف شود به آن نیم پرده می‌گویند.

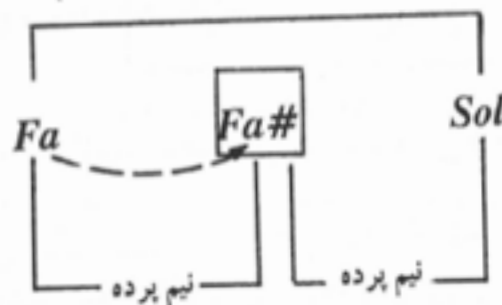
طبیعی است در نوشتن ملودی‌ها و انتهای موسیقی بوسیله خط نت، جهت شناسایی بهتر فاصله

نتها، یکسری علاماتی اختراع و ابداع شده است که دو تا از این علامات (دیز #) و (بمل b) نام دارند و

چنانچه علامت # جلوی هر نتی (سمت چپ آن) قرار گیرد، آن نت را نیم پرده بالاتر می‌برد و یا فرکانس

آن نت را به نت بعدی نزدیکتر می‌سازد. مثلاً اگر جلوی نت *FA*، علامت دیز # قرار گیرد، نت *FA* به

اندازه نیم پرده بالاتر می‌رود و به نت *Sol* نزدیک می‌شود. به شکل توجه کنید:



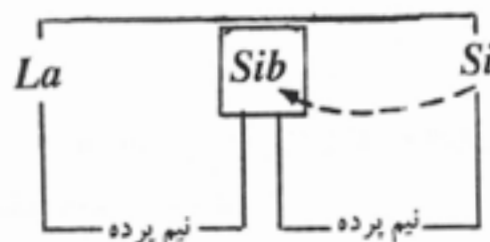
همیشه باید دانست فاصله بین همه نتها یکپرده است، بغیر از انتهای (سی و دو) و (می و فا) که نیم

پرده است. تا اینجا دانستیم که اگر بخواهیم یک نت را نیم پرده به نت بعد از خود نزدیک کنیم از علامت

دیز (#) استفاده می‌کنیم، حالا اگر بخواهیم یک نت را به نت قبل از خود نزدیک کنیم از چه علامتی باید

استفاده کرد. برای اینکار باید از علامت بمل (b) استفاده نمود، یعنی اگر جلوی هر نتی علامت (b) قرار

گیرد آن نت به اندازه نیم پرده بمتر می‌شود و پایین می‌آید به شکل توجه کنید:



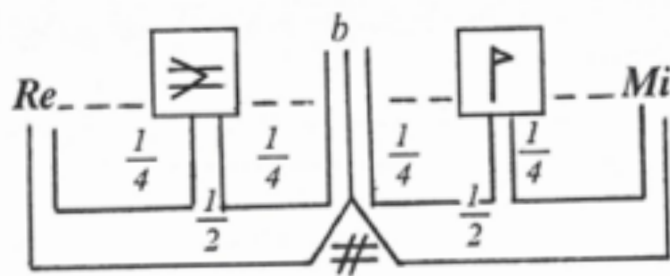
در اینجا می‌توان نتیجه گرفت که دو علامت $\#$ و b در محل قرار گرفتن بین دو نت مشترک هستند، بصورتی که در بسیاری از مواقع مثلاً چه بگوییم سی بمل و یا چه بگوییم لادیز، که در حقیقت محلی است مابین دو نت لا و سی

ربع پرده و دو علامت سُرّی ($\#$) و کُرّون ($\flat$) چیست؟

آموختیم که فاصله مابین دو نت اصلی را پرده می‌گویند و اگر این فاصله بوسیله دو علامت دیز ($\#$) و بُمل (b) نصف شود به آن فاصله نیم پرده می‌گویند. حال می‌خواهیم بدانیم آیا فاصله پرده را به غیر از تقسیم کردن به دو نیم پرده می‌توان به قطعات کوچکتر نیز تقسیم کرد.

باید گفت اگر یکپرده را چهار قسمت مساوی تقسیم کنیم، به هر قسمت آن ربع پرده می‌گویند و برای این منظور بوسیله یکی از موسیقیدانهای ایرانی (استاد علی نقی وزیری) دو علامت سُرّی ($\#$) و کُرّون ($\flat$) در نظر گرفته شده است.

یعنی اگر بخواهیم یک نت را به اندازه یک چهارم پرده بالا ببریم، سمت چپ آن نت علامت ($\#$) را قرار می‌دهیم و اگر بخواهیم یک نت را $\frac{1}{4}$ پرده بم کنیم و پایین بیاوریم، سمت چپ آن نت علامت ($\flat$) را قرار می‌دهیم جهت روشن شدن بهتر مطلب به شکل رسم شده توجه کنید:



پس از گفته‌های گذشته درباره پرده - نیم پرده - ربع پرده و علامات هر یک از آنها می‌توان چنین

نتیجه گرفت که:

پرده = نیم پرده + نیم پرده

نیم پرده = ربع پرده + ربع پرده

پرده = نیم پرده + ربع پرده + ربع پرده

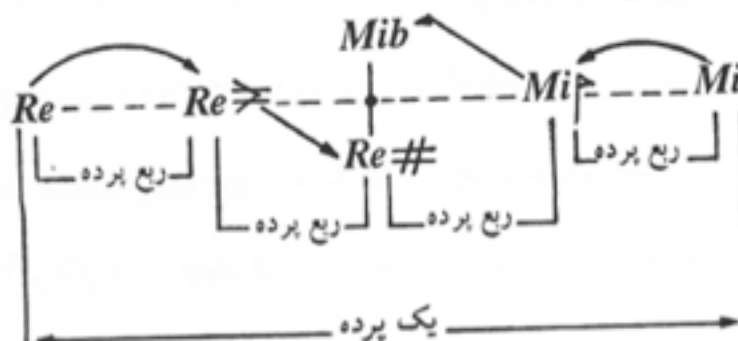
و نهایتاً در خاتمه می توان چنین نتیجه گرفت که: اگر ننتی با علامت دیز # نشان داده شد، نیم پرده بالا پرده شده است (زیر شده است).

اگر ننتی با علامت بمل b نشان داده شد، نیم پرده پایین پرده شده است (بم شده است)

اگر ننتی با علامت سری # نشان داده شد، ربع پرده بالا پرده شده است (زیر شده است)

اگر ننتی با علامت کرن $\sharp$ نشان داده شد، ربع پرده پایین پرده شده است (بم شده است)

برای روشن شدن مطلب به شکل نگاه کنید:



در ضمن علامت دیگری بنام بکار (b) وجود دارد که اگر جلوی هر ننتی باشد نشانه آن است

که آن نت دارای هیچکدام از علامات چهارگانه (دیز - بمل - سری - کرن) نیست و حالت اصلی نت را نشان می دهد.

علامات عَرَضی یا علائم تغییر دهنده چیست؟

علامات پنجگانه ای که درباره آنها گفتگو شد، عبارت بودند از:

۱- دیز #

۲- بمل b

۳- سری #

۴- کرن $\sharp$

۵- بکار b

که چون این علامت‌ها بصورت موقت نتها را از حالت اصلی خودشان به اندازه‌های گفته شده قبل (نیم پرده یا ربع پرده) تغییر می‌دهند، به علامت‌های عرضی معروف هستند. به شکل با دقت نگاه کنید:



علامات ترکیبی یا علامت سرکلید کدام است؟

علاماتی هستند که در آغاز خطوط حامل پس از کلید قرار می‌گیرند تا موقعیت شکل گرفتن فواصل گام مربوطه را نشان دهند. به شکل توجه کنید. روی خطوط حامل علامت ترکیبی نتها مشخص شده‌اند.

